تنافی بین احتیاط و تعبدی بودن تفضل در کلام شیخ انصاری

مقصود من از عبارت جناب مفید، یکی این «یجب» بود که ظاهراً منظور خود ایشان هم وجوبی که خلاف ضوابط است، نیست. یعنی شدت استحباب، منظور ایشان است. شدت استحبابی است که تعبیری به وجوب می‌کنند.

من فرمایش شیخ انصاری را گفتم، فرمایش میرزای قمی را هم گفتم، ببینید شیخ مفید در این عبارت همراه کدام یک از آن‌ها هستند. میرزای قمی گفتند: تحقیق این است که یوم الشک یعنی یومی که شک شانی دارد. لذا مطلق یوم الثلاثین من شعبان یوم الشک است. این را می‌فرمودند. بعد هم فرمودند اگر رمضان بود، نفس الامر است. الآن هم مفید فرمودند «یرقب الهلال و یطلبه فی آخر نهار یوم الثلاثین و العشرین من شعبان»؛ این عبارت با کدام یک همراه است؟ «فان اصابه علی الیقین بیّنة النیة لمفروض الصیام و ان لم یصبه یقینا عزم علی الصیام معتقدا انه... فإن ظهر له بعد ذلك أنه من شهر رمضان فقد وقع الإصابة الحق عینا»؛ این عبارت شما را به یاد چه چیزی می‌اندازد؟ چرا مرحوم مفید این عبارت را آورده‌اند؟ عبارت ایشان اقتباس از روایتی است که در سؤال زهری بود.

> 27:28

الآن مرحوم مفید «عیناً» و «اصابة الحق» را چطور معنا می‌کنند؟ عبارت ایشان به نظر میرزای قمی مایل است که فرمودند «اصابة الحق فی نفس الامر»؟ ای نه، یعنی تفضلاً؟ ولو این‌که در نفس الامر روزه ماه مبارک و امتثال ماه مبارک نبوده؟ به نظر شما این کدام یک از آن‌ها است؟

شاگرد: موافق میرزا است.

استاد: بله، فهم مرحوم مفید از عبارت حدیث به این صورت بوده که مایل به نظر میرزا هستند.

شاگرد۲: تعبیر «عزم» وجوبی است؟ یعنی واجب هم هست که روزه بگیریم؟

استاد: احسنت، این موید وجوب قبلی است که «عزم» هم دنباله آن است. این را هم به ایشان نسبت می‌دهید یا نمی‌دهید؟ می‌گویند «و ان لم یصبه یقینا عزم علی الصیام معتقدا انه یوما من شعبان»، واجب هست یا نیست؟ ظاهر عبارت چیست؟ می‌گویند واجب است. ولی کسی قائل به وجوب هست؟! مرحوم صاحب حدائق نقل کرده‌اند و تعبیر تندی دارند. می‌گویند مقابل مطلبی که ما گفتیم، کسانی هستند که این تعبیر را دارند.

> **و ربما سبق الى بعض الأوهام من هذه الأخبار التي قدمناها دالة على عدم استحباب صوم هذا اليوم مع عدم العلة وهو تحريم صيامه نظرا الى ظاهر النهي في بعضها. و هو توهم ضعيف لما دل على استحباب الصوم مطلقا و صوم شعبان بخصوصه كل أو بعض و ما دل عليه آخر رواية معمر بن خلاد من النهي عن الإفطار و الحال ذلك و قول الراوي «و كذلك في النوافل» يعني غير هذا المؤذن بكونه من النوافل.**
>
> **و أبعد من ذلك ما نقل ايضا عن بعض القاصرين من تحريم الإفطار يوم الشك? مطلقا فرضا و نفلا كما نقله بعض الأفاضل.[1]**

«و ربما سبق الى بعض الأوهام من هذه الأخبار التي قدمناها دالة على عدم استحباب صوم هذا اليوم مع عدم العلة وهو تحريم صيامه نظرا الى ظاهر النهي في بعضها. و هو توهم ضعيف لما دل على استحباب الصوم مطلقا.»

عده‌ای از روایت فهمیدند که اصلاً مستحب هم نیست. بعد می‌گویند: **«و أبعد من ذلك ما نقل ايضا عن بعض القاصرين من تحريم الإفطار يوم الشك مطلقا فرضا و نفلا كما نقله بعض الأفاضل»**؛ ایشان تعبیری به قاصرین می‌کنند. خب اگر مفید وجوب فهمیده بودند که ایشان نمی گفتند «قاصرین». پس ظاهر عبارت مفید وجوب است اما احدی در فقه شیعه از عبارت مقنعه وجوب استدلال و وجوب صوم یوم الشک را نفهمیده است. عباراتشان هم روشن است.

الآن چیزی که می‌خواهم عرض کنم و برای بحث ما فایده دارد، این است: مرحوم مفید نفرمودند «یطلب فی آخر نهار یوم من شهر رمضان» اگر هوا ابری هست یا نیست. ایشان که قیدی نزده‌اند. نکته مهمتر این است که ایشان مطلقاً گفته یوم بیست و نهم. یعنی چه؟ شما بفرمایید. یعنی روز سیام به‌عنوان سیام یوم الشک است و تمام. این عبارت مقنعه در این مقام خیلی مهم است. یعنی موید احتمال اول است که شبهه موجود است. لذا این فضایی است که ایشان ترسیم کردند و بعداً هم فتوای خود ایشان در مقنعه است. به خلاف کراهتی است که در معتبر به ایشان نسبت داده شده بود. فتوای ایشان و به دنبال آن، فتوای همه اصحاب، موید می‌رزای قمی می‌شود که آنها می‌خواهند بگویند یوم سیام صوم مستحب است. لذا اگر روایت ابن خلاد را حمل بر عدم استحباب بکنیم اعراض اصحاب می‌شود. عرض کردم که اگر حمل بر استحباب نکنیم بلکه حمل بر مراتب تاکد استحباب کنیم که درجه ترغیب شارع بالا است، دیگر اعراض اصحاب هم نخواهد بود.

این مطالبی که از عبارت خواندم به ذهن شما آمده بود. اما مطلبی که به ذهن هیچکدام از شما نیامده بود، این است که کلمه «احتیاط» که شیخ مفید می‌گویند ارتکاز شما را خراش داد یا ندادا؟

شاگرد: مخالف ارتکاز بود. چون اگر تفضل باشد شاید خیلی با احتیاط نسازد.

استاد: یعنی الآن فرمایش شیخ و استظهار ایشان از تفضل، در ذهن شما بود، همینی که الآن می خواهم بگویم در ذهن شما آمد. اما قبل از این که حرف شیخ را بگویم، وقتی عبارت را خواندم به ذهن شما آمد یا نیامد؟

شاگرد: نه

استاد: یعنی کلمه احتیاطی که شیخ مفید دو بار در عبارت آورده‌اند، موافق ارتکاز متشرعه است. مخالف ارتکاز آنها نیست. «فضل صيام يوم من شعبان و حصل له ثواب الاهتمام بدينه و

الاحتياط»؛ در آخرش هم می‌گویند که ثواب احتیاط را برده است. آن اشکالی که به نظرم در فرمایش شیخ انصاری، سنگین است، این است که اگر استظهار شما از روایات سر برسد که تفضل را به اجزاء بزنید و بگویید این اصلاً مصداق مأمور به نیست، در این صورت صدق واژه احتیاط و موضوع آن منتفی است. خود شما می‌گویید با این‌که روزه گرفته اصلاً مصداق صیام شهر رمضان نیست. وقتی نیست خداوند تفضل گفته که قضا نکن. فقط همین. پس انگیزه شما برای این‌که صیام یوم الشک را بگیرید، بنابر مبنای ایشان فقط این است که بعداً تفضل قضا نمی‌کنید. اما احتیاط به چه معنا است؟ محتاط دارد چه کار می‌کند؟ یعنی در واقع چیزی هست که می‌خواهد کاری کند که به او برسد. نه این‌که هر کاری بکند به او نمی‌رسد.

این اشکال به فرمایش شیخ، سنگین است: کلمه احتیاط و ارتکاز احتیاط نزد تمام متشرعه از فقها و غیر آن‌ها در این است که استحباب یوم الشک و باعث بر آن، احتیاط لدین است؛ به تعبیر آن روایت «فرار من الدّین» است. خب اگر به این صورت است، با استظهار شما از تفضل، صدق احتیاط به‌طور قطع منتفی است. اگر می‌بینید این عرض من درست نیست، بگویید. اشکال سنگین است. یعنی استظهاری بکنیم که کلمه احتیاطی که شیخ مفید و دیگران گفتند، به ارتکاز کل موید آن است که مقصود در یوم الشک احتیاط در دین است. احتیاط یعنی چیزی هست که می‌خواهم به آن برسم. نه این‌که چیزی هست که هر کاری هم می‌کنید به آن نمی رسید. در این صورت که احتیاط معنا ندارد.

شاگرد: احتیاط آن نمی‌شود که برای اجزاء بر تفضل باشد؟

استاد: اگر شما یک امر مستحبی را انجام بدهید، می‌گویم ثواب دارد. من در مستحب آن هم حرفی ندارم. شیخ هم در استحباب آن حرفی ندارند. لذا فرمودند: « نعم لو نواه مندوبا أجزأ بتفضّل اللّه تعالى- كما في الرواية- عن الفرض»؛ اجزائش را قبول دارند. من در مطالعاتم به فرمایش شما عنایت داشتم. شما می‌گویید شارع فرموده که مستحب است نماز شب بخوانید. می‌گویید خب او هم انجام می‌دهد و به ثواب هم می‌رسد. وقتی او نماز شب خواند، احتیاط کرد؟! خدای متعال برای کسی که روز سیام روزه می‌گیرد تفضل کرده و قبول می‌کند، کسی که خودش را به این تفضل رساند، احتیاط کرده؟! احتیاط نکرده.

شاگرد۲: دو فرض دارد؛ شاید مطابق شهر مبارک باشد و شاید نباشد.

استاد: اگر مطابق هست ولی فرد مأمور به نیست، من چطور احتیاط می‌کنم؟ احتیاط این است که من خودم را به آن نفس الامر برسانم. من روزه مستحبی را انجام می‌دهم و به تفضل خدا آن را قضا نمی‌کنم، کار مستحب هم انجام داده‌ام، اما احتیاط هم کرده‌ام؟! یعنی واقع را ده‌فگیری کرده‌ام؟! چه ربطی به واقع دارد؟! چون در هر حال شما به واقع نمی‌رسید.

> **36:31**

شاگرد: احتیاط حکمی می‌شود. یعنی تفضل را مانند «صدقة اللّه لا تُردّ» معنا کنیم. یعنی درست است که تفضل خدا است اما از آن تفضل‌هایی است که باید آن را انجام بدهیم. یعنی تفضل خدا را در نکنیم.

استاد: شما باید نماز شب را باید نخوانید؟!

شاگرد: نماز شب مثال من نمی‌شود. یعنی در یوم الشک می‌گویند روزه‌ی تو به تفضل خدا قبول می‌شود اما این تفضلی است که مؤمنین حق ندارند آن را در کنند. مثل صدقة اللّه لا تردّ در نماز مسافر است. تفضل خدا است اما لا تردّ است.

شاگرد۲: در مقایسه با قضا احتیاط این است که کاری کنید تا نیاز نباشد که قضای آن را انجام بدهید. شبه ادا است.

استاد: بسیار خب، کاری بکن که بعداً محتاج قضاء نشوی. این یعنی احتیاط کردهای؟! این یک دستور خوبی است. میگویم کاری بکن... . مثلاً در دستورات شکوک نماز چه فرمودهاند؟ فرمودند بین سه و چهار شک میکنی، خب قاعده استصحاب میگوید بناء را بر یقین بگذار و بگو سه رکعت خواندهام و یک رکعت دیگر به آن اضافه میکنم، بعد امام چه فرمودند؟ فرمودند خیلی وقتها بناء را بر سه میگذاری و یک رکعت دیگر میخوانی، بین راه که سلام میدهی، میفهمی که پنج رکعت خواندهای و باید نماز را اعاده کنی. حضرت چه فرمودند؟ فرمودند بیا به تو کاری را یاد بدهم که بعداً محتاج اعاده نشوی. فرمودند بناء را بر چهار بگذار و سلام بده و یک رکعت نماز احتیاط بخوان. این احتیاط، جای آن است. این یعنی الآن که شما کاری میکنید تا بعداً محتاج اعاده نشوید، یعنی بنا بر چهار گذاشتن هم احتیاط است؟! نه، بنابر چهار گذاشتن که دیگر احتیاط نیست. بله شما ترفندی میزنید که بعداً محتاج اعاده نشوید. بعداً هم نمیشود. تمام. غیر از این است که بنا بر چهار گذاشتن به حمل شایع، احتیاطی از ناحیه شارع است. این احتیاطی غیرشرعی است. احتیاطی است که بعداً به مشکل نخورد.

شاگرد: اگر احتیاط را به این صورت بگویم که فی الجمله احتمال میدهم که یک چیزی به گردنم باشد. چون سوم الشک است و شاید باشد و شاید نباشد.

استاد: اگر روزه بگیرم و آن نباشد، چطور بر گردن من میآید؟!

شاگرد: احتیاط میگوید شما یک کاری انجام بده، اگر ماه رمضان بود به تفضل الله قضاء ندارد.

استاد: یعنی در سائر احتیاطها هم همین را میگویید؟! شما میگویید من نمیدانم جمعه است یا ظهر است، لذا هر دو را میخوانم، یعنی در اینجا در قبول واقعی ضمیمه تفضل خدا را لازم میدانید؟!

شاگرد: اگر بحث نیت را مطرح بکنیم در اینجا هم باید تفضل بیاید. تقرب با یکی از آنها حاصل میشود.

استاد: در این همه از احتیاطاتی که در شرع هست، درجایکه نیت هم نباشد،... . عرض من این است که احتیاط در جایی است که الآن یک امر نفس الامری بالفعل هست و محتاط میخواهد به آن برسد، قوام احتیاط به این است. در مانحن فیه شیخ میفرمایند اگر روزه هم بگیری نمیرسی.

شاگرد: طریق رسیدن به آن همین است که احتیاط بکنیم.

استاد: شیخ فرمودند نمیشود.

شاگرد: شما فرمودید احتیاط با آن تفضل نمیسازد.

استاد: ایشان میفرمایند تفضل یعنی قضا نکن؛ اینکه من به تفضل از تو این روز را می پذیرم یعنی تو در ماه مبارک روزه نگرفتهای ولو زدن من شارع ماه مبارک بود، ولی این روزه تو مصداق روزه ماه مبارک نبود. پس چگونه احتیاط کردی؟ خب اینکه احتیاط نبود. خواندن یک چیزی را مستحب کرده و گفته خودت را به تفضل من بچسبان. خب در نماز شب هم گفته بود. ترغیب کرده که خودت را مشمول تفضل من بکن. بسیار خب، اسم آن احتیاط نیست. و حال آنکه به راتکاز همه... من عبارت مقنعه را به همین دلیل خواندم. میخواستم روی احتیاط آن بحث کنم. مقصود اصلی من این بود که شیخ مفید روی فرمایش خودشان فرمودند: «والاحتیاط لصیام شهر رمضان»؛ این احتیاط یعنی همان تفضل خدا که باید خودتان را به آن بچسبانید؟ اگر به آن

بچسبانید خب خیلی از مستحبات را انجام میدهید. انجام دادن یک مستحب که اسمش احتیاط نیست.

شاگرد: مکلف هم از این احتیاط نیت مستحبی میکند؟ یا نیت آن چه به گردنش هست میکند؟ اگر مستحبی است بعداً معلوم میشود که شعبان مستحبی است. اگر نه معلوم میشود که ماه رمضان واجبی است. در اینجا که نیت مستحبی نکرده تا اشکال شما بیاید. این نیت احتیاط می کند.

استاد: شیخ مفید برعکس میگویند. فرمودند واجب است احتیاط بکند. بعد فرمودند حالا به دنبالش میرود، اگر معلوم شد ماه مبارک است، بیّت النیة لمفروض الصیام، و ان لم یصبه علی الیقین عزم علی نیة صوم من شعبان. نه اینکه هر چه بر وظیفه میآید.

---

[1] الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة؛ ج۱۳، ص: ۴۳

بازبینی #1
ایجاد شده 24 مه 2026 13:09:58 توسط ... .
به روزرسانی شده 24 مه 2026 13:12:20 توسط ... .